

مکتوبات تاریخی

خاطرات خواندنی
یک «کهنه سرباز» ایرانی

رودسری - گزارش هایی که در قالب خاطره به رشته تحریر در می آیند، بخش مهمی از مستندات تاریخی را تشکیل می دهند. هر چند برخی از مورخان برآنند که خاطرات، به دلیل پیروی از حب و بغض های درونی نگارنده، چندان قابل استناد نیست و باید به آن ها، به دیده تردید نگریست، اما نباید از یاد برد که حب و بغض های مورد بحث، تنها بخشی از خاطرات را تحت تأثیر خود قرار می دهد و در میان آن چه به رشته تحریر در می آید، حقایقی نهفته است که نمی توان از کنار آن ها به سادگی گذشت. کتاب «کهنه سرباز»، یکی از همین خاطرات خودنوشت است که بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران را در بر می گیرد. غلامرضا مصور رحمانی، نویسنده کتاب، سرهنگ بازنشسته نیروی هوایی است که در دوره پهلوی اول و دوم، به عنوان افسر مشغول خدمت بود. او در نوشتار خود، تنها گرفتار نقل خاطرات نیست، بلکه نظر و تحلیل خود را در باره روند وقایع و چرایی و چگونگی بروز آن ها هم ارائه می کند. روایت رحمانی از ماجرای کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شروع می شود و در فصل های بعدی، به ترتیب شکل گیری سازمان اداری ارتش، جهالت هایی که عامل ضعف نظامی گری در دوره پهلوی شد و سپس، قیام پایگاه قلعه مرغی در شهریور ۱۳۲۰ را بررسی می کند. مصور رحمانی می کوشد با تصویر کردن فضای ملتهب ایران در دهه ۱۳۲۰، رویکرد ارتش نسبت به دکتر مصدق و چرایی همراهی نکردن قاطبه نظامیان با او را تحلیل و بررسی کند و با وجود نقص اطلاعات در برخی فرازاها، به خوبی از عهده این کار برآمده است. روایت نویسنده درباره چگونگی برخورد شاهشا با عشایر، یکی از گزارش های دست اول و دیدبد نشده در این زمینه است. رحمانی در این باره به نقل خاطره می پردازد و می نویسد: «عملیات قلع و قمع [عشایر] ابتدار پیشکوه [لرستان] صورت گرفت و پس از کشتار بسیاری از جوانان ایلات پیرانوند و سگوند، دستور داده شد افراد باقی مانده [عشایر] لُر که بیشتر پیرمردان، زنان و بچه ها بودند، در اسرع وقت، پیاده و با احشامشان، از پیشکوه به خراسان رانده شوند و در آن جا ساکن گردند... سپهبد رزم آرمی گفت: این ها معمولاً پیاده بودند، از پیرمردان ضعیف گرفته تا زنان باردار و بچه های ۴-۳ ساله و حتی کودک نوزاد. اگر می خواستیم به پای ضعیف ترین آن ها حرکت کنیم، زمان مسافرت، سر به قیامت می زد و بادستور العمل [اسرع وقت]، [رضاشاه] سازگار نبود. ناچار حد وسطی اختیار شد، قریب ۲۵ تا ۳۰ کیلومتر در روز که طی آن، در مسیر خرم آباد به خراسان، تعداد بسیاری از پیرمردان، زنان، به خصوص زنان باردار و بچه های کوچک تلف شدند و صدی نود احشام از بین رفتند.» کتاب «کهنه سرباز»، نخستین بار در سال ۱۳۷۷ توسط شرکت سهامی انتشار به زیور طبع آراسته شد.

گزارش تاریخی

کودتای سوم اسفند
چه بر سر مطبوعات ایران آورد؟**رکن چهارم دموکراسی زیر تیغ قزاق!**

کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹، از زنگاه های مهم تاریخ معاصر ایران است. این کودتا آغاز راهی بود که رضاخان را به قدرت رساند. گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چگونگی آغاز رژیم کودتا، خود می تواند پاسخی درخور تأمل به تأثیر این کودتا بر عرصه مطبوعات داشته باشد؛ آغازی که رنگ خفقان را بر تمام چهره شهر می زد. تا آن زمان، ۱۷۰ سال از مشروطه ایران و تصویب قانون مطبوعات که تخلفات و مجازات ها را معین کرده بود، می گذشت و چنین رویکردی، نه در قانون یافت می شده و معمول بود. بر اثر رویکرد توأم با خفقان، فرخی، مدیر روزنامه «طوفان» و عدای دیگر در سفارت شوروی متخصن شدند و جمعی دیگر هم در مجلس شورای ملی بست نشستند. خواست اینان، اجرای قانون اساسی و جلوگیری از بی قانونی ها و زیاده روی های وزیر جنگ بود. رضاخان در بند نهایی اعلامیه روز کودتای سوم اسفند آورده بود: «در هریک از روزنامه ها از این بابت ذکری بشود، به نام مملکت و وجدان، آن جریده را توقیف و مدیر و نویسنده آن را هر که باشد تسلیم مجازات خواهیم نمود». مدیر روزنامه «نجات ایران» در رد اعلامیه یادشده، مقاله ای نوشت که چون بر جان خود ایمی نداشت، مقاله را با این عبارت ختم کرد: «چون می دانم مرا گرفتار خواهی کرد، من هم پنهان می شوم، تو هم هر کار از دستت بر می آید بکن! و وزیر جنگ حکم کرد او را دستگیر کنند و برای کسی که او را پیدا کند، جایز تعیین کرد.

جواد نوائیان رودسری - جنگ جهانی دوم، بزرگ ترین جنگ تاریخ بود؛ نبردی عالمگیر که طبق برخی گزارش ها، بیش از ۶۰ میلیون قربانی روی دست بشریت گذاشت؛ میلیتاریسمی که به اوج رسیده بود، بالای جان انسانیت شد و جنایاتی را رقم زد که روی مغول ها، وایکینگ ها ووندال ها را سفید کرد! تردیدی نیست که جنایات اتفاق افتاده، تنها در یک سوی جبهه واقع نشد؛ هر دو سوی نبرد، اعم از متفقین و دولت های محور، در این زمینه کم نیاوردند؛ اگر آلمان ها اردوگاه های کار اجباری و آزمایشگاه های کشت باکتری سیاه خم داشتند، روس ها نیز در «کاتن»، هزاران افسر لهستانی را به قتل رساندند. با این حال، آن چه بیشتر در تاریخ انعکاس یافته، گزارش جنایت هایی است که دولت های پیروز، از دولت های شکست خورده منتشر کرده اند و طبق این گزارش ها، اردوگاه ۷۳۱ ژاپن در منطقه منچوری، شاید مخوف ترین و ترسناک ترین مکان در نوع خود باشد.

آغاز امپریالیسم ژاپنی

ژاپنی ها خیلی زودتر از کشور های اروپایی، دست اندازی به خاک همسایگان را آغاز کردند. دیدگاه های نژادپرستانه ای که نازی ها در آلمان رواج می دادند، از قرن ها قبل، به واسطه مذهب «شینتو» در ژاپن نهادینه شده بود؛ ژاپنی ها قرن ها بود که خود را تافته جدا تافته می دانستند. آن ها از اواخر دهه ۱۹۲۰، برای دستیابی به مواد اولیه بیشتر، نفوذ در اراضی چین را که به شدت درگیر نزاع داخلی بود و از ضعف و فساد اداری رنج می برد، آغاز کردند. در سال ۱۹۳۱، منچوری، ایالتی در شمال شرقی چین، به اشغال ژاپنی ها درآمد و این سرآغاز دست اندازی به دیگر مناطق این کشور بود. برخی گمان می کنند که ژاپنی ها، همزمان با آغاز جنگ جهانی دوم به فکر دستیابی به سلاح های شیمیایی و میکروبی افتادند؛ اما بد نیست بدانید که دست کم از سال ۱۹۳۴، در منطقه منچوری، مرکزی برای مطالعه در این زمینه ساخته شد؛ اردوگاهی بزرگ که ابتدا با نام «دایره



شیروگچی رئیس اردوگاه ۷۳۱

**«قراسوران»؛ مأموران دولتی که اسیر خان ها شدند**

تأمین امنیت راه های ارتباطی، همواره یکی از مهم ترین دغدغه های حاکمان و امرا بوده است. این مهم، در دوره قاجار با وجود به هم ریختگی اوضاع، مد نظر قرار داشت و بر همین اساس، در سال ۱۲۵۲ ه.ش، با پیشنهاد منشی الدوله و تصویب ناصرالدین شاه، گروهانی به نام «قراسوران» تشکیل شد تا مسئولیت امنیت راه ها را بر عهده بگیرد. مأموران قراسوران، با وجود تلاش های فراوانی که برای امنیت این سرزمین از خود نشان دادند، به دلیل برخی مسائل، تا کنون چندان مورد تقدت تاریخ نگاران قرار نگرفته و در بطن مطالعات مربوط به نظمیه و تأمینات، نادیده مانده اند. قراسوران، پس از تشکیل ژاندارمری و تفویض حراست از راه ها به این نهاد نظامی، در آن مستحیل شد و نیروهایش به سربازان و درجه داران ژاندارمری ملاحظه می کنید.



بخش از ساختمان های اردوگاه ۷۳۱ محل آزمایش بیولوژیکی بود

جنایت های خوفناک

برخی از دستاوردهای به اصطلاح علمی ژاپنی ها، در مجله های معتبر علمی دنیا، پیش از جنگ جهانی دوم، منتشر می شد. آن ها در نوشته هایشان، از آزمایش روی «میمون های منچوری» سخن می گفتند، اما در واقع این میمون ها، همان افراد بدبختی بودند که مورد آزمایش های میکروبی و شیمیایی قرار می گرفتند. پزشکان ژاپنی معتقد بودند مرگ، باعث آغاز روند تجزیه در پیکر انسان می شود و به همین دلیل، پس از تزریق میکروب در بدن قربانی، پیکر او را «زنده شکافی» می کردند و اجزای داخلی آن را بیرون می آوردند! گزارش های وحشتناکی که بعدها به دست آمد، نشان می داد که ژاپنی ها برای حل مسئله بیماری سوزاک و سیفلیس برای نظامیان وحشی و عیاش خود، به آزمایش های گسترده ای دست زدند؛ باکتری سوزاک و سیفلیس به عنوان واکسن، به بدن اسیران تزریق و روند پیشروی بیماری بررسی می شد. گاه میکروب را به بدن زنان باردار تزریق می کردند و پس از بلای آن ها، شگمشان را می شکافتند و جنین را بیرون می آوردند تا تأثیر میکروب روی بدن جنین را مطالعه کنند! طاعون، وبا و سیاه خم، از جمله موارد مورد علاقه تکنسین های اردوگاه ۷۳۱

فجیع ترین جنایت های بیولوژیک در اردوگاه ۷۳۱

چرا آمریکا بر آزمایش های میکروبی ژاپن روی چینی ها، سرپوش گذاشت؟

بود. اطلاعات به دست آمده از این جنایت های غیر انسانی، صرف ساختن سلاح های محرمانه ای می شد که آن ها را را هم روی شهروندان چینی آزمایش می کردند؛ انتشار میکروب در مناطق شهری؛ بیش از ۵۸۰ هزار نفر، تنها در آزمایش انتشار کک های آلوده به طاعون در شهر «چانگدی» جان باختند. بیش از ۲۵ هزار انسان، در اردوگاه ۷۳۱، مورد آزمایش های بیولوژیک و شیمیایی قرار گرفتند و از بین رفتند. از زنانی که به عنوان موش آزمایشگاهی وارد اردوگاه می شدند، به عنوان برده جنسی نیز، سوء استفاده می شد. برای مطالعه روی درمان یخ زدگی، اجزای بدن اسیران زنده را منجمد و سپس آن را بررسی می کردند. برای مطالعه روی درمان سوختگی نیز، از همان روش انجماد استفاده می کردند. حتی سلاح های معمولی، مانند نارنجک هم، در این اردوگاه مورد آزمایش قرار می گرفت و تأثیر کشتار آن ها بررسی می شد. گاز های شیمیایی نیز، بخش مهمی از آزمایش ها را در بر می گرفت؛ ژاپنی ها انواع گاز های مؤثر بر اعصاب و پوست را به صورت انفرادی و گروهی آزمایش می کردند.

فرجام جنایتکاران

فرجام جنایتکارانی مانند شیرو ایشی، بیش از رنج قربانیان وحشی گری ژاپنی ها، جان را می آزد. وقتی آمریکایی ها بر ژاپن مسلط شدند، او و دستیارانش را بازداشت کردند و قرار شد در ازای انتقال فناوری و یافته های تسلیحات بیولوژیکی به ایالات متحده، جرمشان نادیده گرفته شود و محاکمه نشوند. سال ها بعد، ریچارد درایتون، استاد تاریخ دانشگاه کمبریج، بر اساس اسنادی که در اختیار داشت، فاش کرد که آمریکایی ها، شیرو ایشی را به آذرمایشگاه بزرگی در مریلند آمریکا منتقل و از تجربیات هولناکش، استفاده کرده اند. ایشی، سرانجام در سال ۱۹۵۹، بر اثر سرطان حنجره، در توکیو در گذشت و از مجازات این جهان گریخت.



پژنیکان ژاپنی مشغول شعله زدن قربانی در اردوگاه ۷۳۱

مظفر بقایی؛ یک مخالف گوی مادر زاد!

توده بود، بعداً به جبهه ملی پیوست و پس از این که در سال ۱۳۳۰ حزب زحمتکشان را تأسیس کرد، به صورت دومین شخصیت در جبهه ملی درآمد. بقایی در ۱۳۳۱ میناه اش با مصدق به هم خورد و با نتیجه مقدار زیادی از پشتیبانی حزب زحمتکشان را در این جریان از دست داد. بعداً او ابتدا از ژنرال زاهدی پشتیبانی کرد و سپس با او مخالفت کرد. از آن زمان به بعد او با هر نخست وزیری مخالف بوده است. در نتیجه مخالفت های دایمی اش، او از داشتن دوستانی در میان دستگاه حاکمه کمتر برخوردار است و دشمنان نیرومند زیادی دارد. در اموری که مربوط به پول باشد شرافتمند شناخته شده است و به طور ساده در جنوب تهران زندگی می کند و به همین خاطر نیز، مورد احترام است.»

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرسان
۲- تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۸
۳- تصویب صورت های مالی سال ۱۳۹۷
۴- تصویب صورت های مالی سال ۱۳۹۸
۵- تصویب گری درخصوص تقسیم سود و پاداش هیات مدیره
۶- تصمص گیری در خصوص سرمایه گذاری در سهام سایر شرکتها از محل منابع موجود، در اظهارات ثابت و اخذ تسهیلات بانکی.
۷- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

مفاخر ملی

ثقة الاسلام؛ مردی که تن به ذلت نداد

بی تردید، میرزا علی ثقة الاسلام، یکی از برجسته ترین شهدای راه دفاع از دین و میهن در یک قرن اخیر است. او در سال ۱۲۳۹ هـ.ق در شهر تبریز دیده به جهان گشود؛ مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت و سپس برای تکمیل درس، به نجف اشرف رفت و از محضر علمای آن حوزه مقدس بهره برد. او پس از هشت سال و با اخذ درجه اجتهاد، به تبریز بازگشت و پس از رحلت پدرش، به رفع مسائل و مشکلات شرعی و اجتماعی مردم تبریز مشغول شد. در همین سال ها بود که جنبش مشروطه آغاز و سیل آثار روشنفکران و صاحب نظران درباره آن، به تبریز سرازیر شد. میرزا علی، با مطالعه آثار طالوئوف، مستشار الدوله و نیز، روزنامه های فارسی اسلامبول و کلکته، با ماهیت مشروطه آشنا شد و به همراهی با آن پرداخت. او در زمره علمای بنامی بود که در برابر کژروی های برخی مشروطه خوانان تندرو ایستاد و در همان حال، برای برقراری آرامش و اشتی میان گروه ها، تلاش فراوانی کرد. وی در دوران استبداد صغیر نیز، از مدافعان مشروطیت و همراهان و حامیان مبارزان غیور تبریز بود. پس از شکست نیروهای استبداد و در حالی که گمان می رفت مشکلات به پایان رسیده است، هجوم نیروهای روسیه تزاری به آذربایجان، شرایط را دستخوش تغییر کرد. ثقة الاسلام که به هیچ عنوان حاکمیت روس ها را برخاک ایران بر نمی تابید، فعالیت های گسترده ای را علیه حضور روس ها آغاز کرد. او طی یادداشتی، خطاب به مردم تبریز نوشت: «چون قشون بیگانه در خانه داریم، لذا عیدی برای ما نخواهد بود و از مردم درخواست می شود که به دید و بازدید نروند.... زیرا که ملت عذار است. پس از ماجرای اولتیماتوم روسیه به ایران و تسلیم دولتمردان قاجار در برابر آن، نیروهای تزار مناطق شمالی آذربایجان، اشغال و به سوی تبریز حرکت کردند. ضیاء الدوله، کفیل حکومت ایران در آذربایجان، از میرزا علی مشورت خواست و او در جمله ای کوتاه، چاره کار را نشان داد: «علیکنْ بالدفاع» [دفاع کردن بر شما واجب است]، چاره جنگ مبارزه و دفاع است. به این ترتیب، جنگی سخت و خونین میان متجاوزان روسی و مبارزان تبریزی آغاز شد. اما با وجود مقاومت شدید مدافعان، به سبب کمبود تجهیزات نظامی قوای ایران، شهر به اشغال نیروهای روس درآمد. متجاوزان که کینه ثقة الاسلام را به دل داشتند، او را دستگیر کردند و از او خواستند فرمانروای تبریز را، مقصر اشغال آذر بایجان معرفی کند؛ اما او در پاسخ به این درخواست ننکین، به منشی ایرانی کنسولگری روسیه تزاری در تبریز گفت: «میرزا علی اکبر خان! تو که خود مسلمان و ایرانی هستی، چگونه می خواهی من سندی را امضا کنم و با آن دشمنان اسلام را بر کشور خود مسلط سازم؟» وقتی اشغالگران پایمردی و مقاومت میرزا علی را دیدند، در دادگاهی فرمایشی او را به اعدام محکوم کردند و در روز عاشورا ی سال ۱۳۳۰ هجری قمری (۶ آذر ۱۲۹۳ هجری شمسی)، به همراه هفت تن از مدافعان تبریز، به دارش آویختند و به شهادت رساندند.

صفحه آرایی

واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش من پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

layout@khorasannews.com

جناب آقای دکتر مهدی عرفانیان نتوایی**متخصص محترم جراحی دهان، فک و صورت****افتتاح مطب جدید در شهر مشهد**

را تبریک عرض می کنیم و از درگاه خداوند منان توفیق روزافزون و بهر روز شما را خواستایم.

سید وحید محروقی و خانواده

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

آکهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده**نوبت دوم شرکت تعاونی توزیع برق مانا نیروی نوس تلاش (تبت ۴۱۲۰۸)**

مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی توزیع برق مانانبروی توس تلاش روز شنبه ۳۰ آذر ساعت ۱۵ در محل سالن اجتماعات شرکت توزیع برق شهرستان مشهد واقع در بلوار خیام برگرامی می گردد. لذا از کلیه اعضاء محترم دعوت می گردد جهت اخذ تصمیم نسبت به عناوین ذیل در جلسه حضور بهم رسانند ضمناً کاندیداهای سمت بازرسی می بایست از تاریخ انتشار آگهی به مدت یک هفته درخواست خود را با تکمیل فرم مربوط ارائه مدارک مورد نیاز به دفتر مرکزی شرکت واقع در قاضی ۴ پلاک ۲۰ تحویل و رسید دریافت نمایند همچنین اعضاء متقاضی اعطای نمایندگی (هر عضو حداکثر ۲ رای با وکالت و غیرعضو حداکثر یک رای با وکالت) میتوانند به محل مراجعه نمایند و کلیه مدارک وکیل خود در ساعات اداری روز دوشنبه ۲۵ آذر به دفتر مرکزی شرکت مراجعه تا ورقه ورود به مجمع برای فرد نماینده صادر گردد.

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرسان
۲- تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۸
۳- تصویب صورت های مالی سال ۱۳۹۷
۴- تصویب صورت های مالی سال ۱۳۹۸
۵- تصویب گری درخصوص تقسیم سود و پاداش هیات مدیره
۶- تصمص گیری در خصوص سرمایه گذاری در سهام سایر شرکتها از محل منابع موجود، در اظهارات ثابت و اخذ تسهیلات بانکی.
۷- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

هیئت مدیره

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰